

# طنز

راهکارهای رئیس جمهور سابق به دولت برای کنترل قیمت دلار

## بگو صبح جمعه فهمیدم

● ریختن بتن در راکتورهای دلار سنگین اراک

● تهیه آب و صابون برای شست و شوی صورت منتقدین

● سخنرانی در زمینه ایجاد اوووووونچنان رونق دلاری



محمد اسدی  
محمد رضا رضایی  
فیروزه کوهیانی  
طنزپردازان

امبر مک لالین ۴۹ ساله در امریکا اعدام شد

**اعدام یک زن آمریکایی هم کار خودشونه!**

سخنگوی دولت امریکا در پی اعدام یک زن در امریکا گفت: از دولت ایران می‌خواهیم به حقوق زنانش احترام بگذارد. وی سپس چیز خاصی نگفت.

واکنش ایران به درخواست آمریکایی‌ها  
برای بازگشت به برجام

**سیب و گلابی ارزونی تون  
برجام نمی‌دیم بهتون**

پس از اعلام دولت امریکا مبنی بر اینکه «سیب و گلابی آوردیم، هسته‌ای تونو بردیم»

ویدیوچک لحظه به لحظه درگیری بازیکن نساجی با  
مهدی ترابی

**توهین آشکار مهدی ترابی با لای زدن  
به بازیکن نساجی**

بازیکن نساجی: ترابی چندبار به من لای زد؛ این حرکت او بسیار زشت بود. به همین خاطر من به او گفتم: بووووووووووو!

در پی اعلام نامزدی جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۴  
رخ داد

**افزایش قیمت عرق نعنا در امریکا**

جو بایدن، صادرات باد به کشورهای منطقه را به عنوان برنامه اصلی خود اعلام کرد.

وزیر نیروی آلمان: اعتراض به سهمیه هیزم  
تنها در سامانه hizom.gov.com

**واریز یارانه هیزم ژانویه**

یارانه خرید هیزم ماه ژانویه، امشب به حساب سرپرستان خانوارهای اروپایی واریز می‌شود.

پس از امضای قرارداد خیلی میلیارد دلاری

**تمجید رونالدو از  
شیردهی گاوهای عربستان**

رونالدو: همه چیز خوب است، فقط تا می‌گویم قاشق عصبانی می‌شوند.

در پی افزایش  
۱۵ درصدی

تلفات تصادفات جاده‌ای

تقدیر

**اتحادیه قبرفروشان  
از پراید**

رئیس اتحادیه قبرفروشان گفت: امسال آمار فروش قبر بسیار رو به رشد بود که از همین تریبون از مدیران کارخانه‌های خودروسازی کمال تشکر و از اینجور حرف‌ها.

واکنش امریکا به پیشنهاد اصلاح طلبان  
برای از سرگیری مذاکرات

**آخ جون برجام!**

پس از پیشنهاد روزنامه‌های اصلاح طلب به دولت برای از سرگیری مذاکرات برجام، یک مسئول آمریکایی پس از جمع کردن آب لب و لوجه‌اش گفت: کجا رو باید امضا کنیم؟

واکنش براندازان به دستگیری ۱۰۰ نفر  
از ارادل و اوباش در زاهدان:

**کار خودشونه!**

یک برانداز محترم گفت: خودشان خودشان را دستگیر می‌کنند و خودشان خودشان را اعدام می‌کنند. وی در واکنش به خبرنگاری که از او خواست یکبار دیگر جمله‌اش را تکرار کند، محل را به مقصد نامعلومی ترک کرد.

واکنش اینترنت

به شایعه قطع شبکه نت در روز کنکور:

**مگه وصل بودیم؟**

شبکه اینترنت در پاسخ به خبرنگاری در رابطه با شایعه قطع اینترنت، سرش را از زیر پتو در آورد و گفت: «مگه تا حالا وصل بودیم؟» وی سپس زیر سلواری‌اش را تا زیر گلو بالا کشید و به چرتش ادامه داد.

در پی اعلام نامزدی بایدن  
در انتخابات ۲۰۲۴ رخ داد

**آلاله  
غنچه کرد**

در پی اعلام کاخ سفید مبنی بر نامزدی بایدن در انتخابات ۲۰۲۴، به غیر از افزایش قیمت عرق نعنا و سایر داروهای ضدنفخ هیچ اتفاق خاص دیگری نیفتاد؛ آسمان در اقصی نقاط جهان همچنان آبی است، پرندگان می‌خوانند، خورشید می‌تابد و آلاله نیز غنچه کرده.

در پی افزایش قیمت دارو  
در فرانسه

**آمادگی مادر بزرگ‌های ایرانی  
برای صادرات عرق خارشتر  
به فرانسه**

در پی اعتصاب پزشکان در فرانسه و کمبود پزشک در بیمارستان‌ها، تقاضا برای قرص استامینوفن و ژلوفین در این کشور افزایش پیدا کرده و در حال حاضر این داروها از نفت هم کمیاب‌تر و گران‌تر شده‌اند. گفتنی است جمعی از مادر بزرگ‌های ایرانی اعلام آمادگی کردند تا به شکل بشردوستانه مقدار زیادی چایی نبات و نعنا داغ به فرانسه صادر نمایند.

لوکادیو بازیکن تیم  
پرسپولیس:

در ایران مردم و بازیکنان را  
اعدام می‌کنند

**لوکادیا:  
من را هم کشتند!**

بازیکن تیم پرسپولیس پس از دریافت دستمزد یک میلیون دلاری خود و پاک کردن دور دهنش گفت: در ایران خیلی شرایط سختی داشتیم. آنها مرا مجبور به کارهای سختی مثل دویدن، شوت زدن و گل زدن می‌کردند. وی همچنین گفت: آنجا همه بازیکنان را اعدام می‌کنند و خود من را هم ۲، ۳ مرتبه کشتند.

وی در حال موج سواری افزود: همین الان هم دو مأمور ایرانی در تعقیب من، موج سواری می‌کنند و اگر دست‌شان به من برسد مرا به زور به ایران برمی‌گردانند تا شاهد اعدام بازیکنان باشم.

نتایج آمارسنجی از مردم امریکا  
در باره واکنس کرونا

**تضمین  
صددرصدی مرگ**

نزدیک به نیمی از آمریکایی‌ها (۴۹ درصد) احتمال می‌دهند واکنس‌های آمریکایی کرونا عامل اصلی بسیاری از مرگ‌های غیرقابل توضیح در این کشور است. طبق اعلام سازمان آمار امریکا، آن ۵۱ درصد دیگر شهروندان امریکا احتمال نمی‌دهند، بلکه مطمئن هستند که واکنس‌های آمریکایی کرونا عامل اصلی بسیاری از مرگ‌های غیرقابل توضیح در این کشور است.

سخنگوی اصلاحات

بدون اینکه خنده‌اش بگیرد گفت:

**دغدغه حاج قاسم  
رفع حصر بود!**

سخنگوی اصلاحات گفت: خالق اصلی «نظریه داماد لرستان» حاج قاسم بود که آن را به زهرا رهنورد منتقل کرد. وی همچنین پس از بالا کشیدن زپ شلوارش گفت: «رفع حصر دغدغه همه مدافعان حرم بود. آنها برای اینکه جای مناسبی را برای سکونت محصورین در فردای حصر پیدا کنند به سوریه سفر کرده بودند.»



واکنش یک سلبریتی ایرانی  
به خبر فیلتر شبکه اجتماعی  
«تیک تاک» در امریکا:

خوشی یعنی

**فیلتر آمریکایی**

محسن کدخداننده با ارسال یک توثیت نوشت: ای کاش در خیابان‌های امریکا و چین استفاده از تیک تاک، زیر زانوی پلیس امریکا از خوشی زیاد له می‌شدم. پس از این توثیت پلیس امریکا با پخش تصویر این بازیگر ایرانی به تمام نیروهای خود دستور داد: «مراقب باشید این روانی وارد امریکا نشه‌ها!»

تیتیر مهم روزنامه‌های اصلاح طلب در سومین سالگرد شهادت حاج قاسم

**چگونه آروغ روشنفکری نوزادمان را  
بگیریم؟**

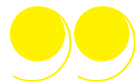
این بود که چگونه آروغ نوزادمان را بگیریم. این مسأله بسیار مهمی است و باید به خانواده‌ها کمک کنیم که آروغ نوزادان‌شان را بگیرند. مثلاً خود من را نگاه کنید؛ پدر و مادرم درست آروغم را نگرفته‌اند و هی آروغ روشنفکری می‌زنم.»

مدیرمسئول روزنامه «آروغ می‌زنم» پس از واکنش به اینکه چرا در سالروز شهادت حاج قاسم، خبری در این رابطه منتشر نکرده‌اید، گفت: «ما آن روز خبرهای مهم تری داشتیم که باید تیتیر یک کار می‌کردیم.» وی پس از زدن یک آروغ آبدار گفت: «تیتیر یک ما



## از صبح نشسته پای تبلت داده چقدر هزینه نت

## پیژامه اوست با پتو ست هر شب بکند رژیم را چنج



### دلاوران فجازی

زهرا فرقانی  
شاعر

با چند ترانه مطمئن با وعده وعید چند شومن القصه برای رقص و بوسه شد شعله انقلاب روشن

احسنت! حقوق زن فزون شد چون سطل رژیم سرنگون شد

عنوان «شریف» اعتبارش الواتی و فحش افتخارش لقمان حکیم فکش افتاد آموخته بس ادب کنارش

تا فتح نموده سلف، فوراً رفته به مصاف دوغ میهن

پیژامه اوست با پتو ست از صبح نشسته پای تبلت هر شب بکند رژیم را چنج داده چقدر هزینه نت

چون سیو نشد، نوشت لطفاً من را بکشید سرور من

انگار به رغم این اراده در فال قیام موفتاده پیدا شد و سهم این برانداز شد ماست موسیر و چپیس ساده

از بس که شده ست تخس و اوباش گردن نگرفته است باباش

با این همه جهل و ابتدالش می برد نه شب اشغالش مشمول دعای خیر مادر شد حین قیام، خوش به حالش

چون کرد دعا اثر سرانجام ناگاه گرفت در ون آرام

حناق شده است در کلوش در حبس تمام آرزویش می گفت نه، شکسته پایم یا نه، تو بگو خط اتویش

همراه شکنجه، شد نمک گیر با ارده عسل، کباب و سرشیر

در بند رفیق او منوچهر می گفت که با شعبده و سحر برگشته به کاخ خویش از قبر یک روز شهنشه از یامهر

افسوس نمود سگته فوراً با دیدن رشد راه آهن

آن دیگری گیمز کلنز است فالوور پیج های فنز است آورده مدال رشته آش کلاتم این قیام طنز است

تا با قمه زد اتک و گرخید بیچاره به گور خویش خندید

حالا که فضا شدهست آرام هشتگ زده اند نه به اعدام در حال درختان ولیعصر فریاد کشیده اند: برکام

پر ریخت دلوار فجازی چون با دم شیر کرد بازی

چادر ز سر زنان ستاندرن عمامه به مسخره، براندن تعطیلی و اعتصاب زوری شادی و نشاط هم قدغن

در قبله غرب هم عزیزان این دیکتاتوری ست، مرگ بر آن

آن گاو که ارباب جدید است درگیر جنازه و اسید است این سوی ز استرس تل آویو یک چند به دور خود تنیده است

تا قدس رها شود ز دشمن آرام نگیگیریم عمرا

یک شهر شهید گشته تقدیم تا ثبت شود چنین به تقویم: «جمهوری اسلامی ایران» حاشا که شود به ظلم، تسلیم

کی باز رسد به دست شاپور پشتک بزند اگر چه صد جور

گر ساعت کار، وقت خواب است یا سیستم بانک مان خراب است این ماندن با هزار مشکل از معجزه ۲های انقلاب است

جو بایدن گیج و پرت و جلمن تورو سته، دوج دالیم اصن



طراح: سید مهدی موسوی / طنزپرداز

### گرگ بازار ارز

امین شفيعی  
شاعر

بوالعجب قصه را شنیدستی؟ که همین خانه بخل دستی

آدمی بود غایت خنگی! داشت سیکلی به زور اردنگی

نه سواد و نه عقل و هوشی داشت توی نت فالور فروشی داشت

یکهو کانال فالو افزایی شد کانال دلار فردایی

خانه خویش را سپس بفروخت کرد آن را دلار و پس اندوخت

چون که نرخ دلار اوج گرفت بی سواد بدون عقل خرفت

اندکی با دلار بازی کرد توی کانال، نرخ سازی کرد

عده ای در کانال او نگران پی سیگنال هاش ارز خران!

ارزها را به هرکدام انداخت رفت و کانال «بورس وی آی پی» ساخت

سهم های بی ارزش کوچک توی کانال او شدند بزرگ

سهم خود را فروخت، حالی کرد سهم با سر فتاد و خالی کرد

بعد از آن رمز ارز سیگنالید باز در اوج کوین را خالید

ما همینطور مانده هاج و واج فک ما باز از این همه تاراج

که فقط با همین دو واژه سواد ثروت خلق را دهد بر باد

آی کیویی درون مغزش نیست! آن که دنبال اوست دیگر کیست!

توی جمع اساکل و آچرال شود این شخص کم خرد زترال

### تعطیلانه

فرشته پناهی  
شاعر

هوا آلوده شد به به! مدارس، باز شد تعطیل

دوباره هر کجا ملت همه مشغول قال و قیل

یکی چون بنده می خندد یکی می کند تحلیل

یکی با فحش می گوید چه خاکی شد سر تحصیل!!

به جای مدرسه در نت کلاس هم باز شد تشکیل

دوباره دفترم گوشه کلاس هم جمع فامیل

بساط درس مابین بساط تخمه و آجیل!

کپی و پیست شد مشقم سه سوته داده شد تحویل

شده تخت و پتوی من به شکل نیمکت تبدیل

میان خواب و بیداری بساطی سخت هردمبیل!

معلم ناگهان پرسید بکن این تست را تکمیل

پریدم ناگهان ازجا پراندم چند تا تمثیل

معلم گفت آهسته! نکن بچه چنین تحجیل

برو و توی صف بگذار جانم بعد از این زنبیل!

شدم آب از خجالت من و بستم عین یخ قندیل

هوا آلوده شد ای کاش نگردد مغزمان تعطیل!

## حکایت روباه و زاغ کلاس دوم و قالب پنی لیقوان چه روباهی پنی مراقورت داد!

بهزاد توفیق فر  
طنزپرداز

«... هرچی خروسی درددل می کرد، زاغی هیچ جوابی نمی داد. نه اینکه زاغی بی ادب بود یا خدای نکرده ناتوان جسمی - حرکتی، نه! زاغی طفلک یک قالب بزرگ پنی لیقوان توی منقارش داشت و نمی توانست حرف بزند...»

دستت، دو کلام حرف بزن، پوسیدیم. زاغی همین کار را کرد ولی تا آمد جواب خروسی را بدهد، روباهی رسیده بود پای درختی و از آنجا که دفعه قبل، هیچ برخورد قضائی (یا غذایی) با او نشده بود، لذا دوباره شروع کرد همان شعر قبلی را خواندن که: گر خوش آواز بودی و خوشخوان، من همونم که دفعه پیش، یک حلب لب به لب پُر از پنیر بهت دادم، یه دهن آواز بخون تا نبندی بهتر از تو در مرغان!

زاغ می خواست قارقار کند، یا که همینجوری پنیرش دستت، دو کلام حرف بزن، پوسیدیم. زاغی همین کار را کرد ولی تا آمد جواب خروسی را بدهد، روباهی رسیده بود پای درختی و از آنجا که دفعه قبل، هیچ برخورد قضائی (یا غذایی) با او نشده بود، لذا دوباره شروع کرد همان شعر قبلی را خواندن که: گر خوش آواز بودی و خوشخوان، من همونم که دفعه پیش، یک حلب لب به لب پُر از پنیر بهت دادم، یه دهن آواز بخون تا نبندی بهتر از تو در مرغان!

روزی روزگاری، خروسی و زاغی بر شاخه درختی نشسته بودند در راهی، که از آن می گذشت روباهی. ولی نه هر روباهی! بلکه همان روباهی که در فارسی دوم ابتدایی، سر زاغی را کلاه گشاد گذاشته بود و پنیرش را خورده بود. خلاصه، هرچی خروسی درددل می کرد، زاغی هیچ جوابی نمی داد. نه اینکه زاغی بی ادب بود یا خدای نکرده ناتوان جسمی - حرکتی، نه! زاغی طفلک یک قالب بزرگ پنی لیقوان توی منقارش داشت و نمی توانست حرف بزند. تا روباهی پای درخت برسد، خروسی کلافه شد و به زاغی گفت: بابا اون پنیرو بگیر



### دیالوگ های حدسی!

رونالدو: ای جان! یه خونه و یه عالمه نگهبان هم بهم دادن. سعودی: هه! بیچاره آگه گل نزنه سپردیم همون نگهبانا خاشقچی خاشقچپش کنن.

امین میمندیان

مدیر النصر: معادل ۵۰۰ میلیون یورو شیر پرچرب به آقای رونالدو پرداخت شد.

رونالدو: بی زحمت شیرش لافنتوس نداشته باشه

امین شفيعی

رونالدو: از اون عباها که گیر مسی اومد به منم می دین؟ رئیس: اون جام جهانی رو برد که گیرش اومد ولی تو قول بده پسر گلی باشی ما بهت دکل نقتی هم می دیم

علی شهبازی

رونالدو: چطور بگم این قرارداد فقط واسه پول نبوده؟ رئیس النصر: خب بگو واسه فلوس بوده. الخخخخخخخ.

علیرضا عبدی





سلام بابا نوئل عزیز  
 امیدوارم حالتان خوب باشد. من شما را خیلی دوست  
 دارم که کوروش کبیر فرموده: (بابا نوئل گوی از گول‌های پوپ است)  
 بابا نوئل شما را به حق کوروش کبیر خوانده‌اند که بی‌سوس من را که بی‌سوس، زیرا  
 کادوی بی‌سوس نمی‌شود اگر بی‌سوس. باز مثل آن سال که بی‌سوس نشده  
 بود، درخت بی‌سوس نشود کاج بی‌سوس! از من گفتن بود.  
 علی آقای کریمی

سلام بابا نوئل عزیز  
 امیدوارم حالتان خوب باشد. من شما را خیلی دوست  
 دارم که کوروش کبیر فرموده: (بابا نوئل گوی از گول‌های پوپ است)  
 بابا نوئل شما را به حق کوروش کبیر خوانده‌اند که بی‌سوس من را که بی‌سوس، زیرا  
 کادوی بی‌سوس نمی‌شود اگر بی‌سوس. باز مثل آن سال که بی‌سوس نشده  
 بود، درخت بی‌سوس نشود کاج بی‌سوس! از من گفتن بود.  
 علی آقای کریمی

سلامی با قوری تا پاپی سو  
 یا پاپوئل پسر  
 Boy پاپوئل!  
 می‌دانم که تو هم زخم خورده‌ای و در انتظار هستی.  
 پس سراسر مرا بپوشان کرده و از او بخوله دو هدیه  
 بیاورد. یکی تلخ، که سال ممتد شده‌ی تو  
 فقط شیشه‌ی تاج سال قبل باشد، تکراری است.  
 و دومی یک چندان که بزرگ باشد تا جایی که  
 دانش‌پا شده. شاید دلم تنگ شده و خواستم  
 تری کرده و بپرسم. مطمئن باش که به محض  
 تاج گذاری با یک شیرینی‌کاری که عکسش در پیوست  
 خدمتگاران ارسال شده، حل و خواست می‌مردم را بدست  
 آورده و در جهت پیشرفت، طی قراردادی و شکر از روی  
 بدخواه سواری را فراهم کند.  
 اردت‌مند، شکر نیم‌پولوی

آقای سانتا، بابا نوئل محبوب دنیا  
 خواستم از شما خواهش کنم، دست رویوسم. بی‌بیات بی‌بوم و  
 التماس کنم از براتون مقدوره، قدری ذغال برای هوای منم در اروپا  
 بفرستید. چون این شب‌ها تو اروپا خیلی سوز می‌آید. همین چند وقت  
 پیش، مرحوم ن. اف او مدینه خواهم و گفت سرد است، چون از  
 وقتی که مرده، روحش رفته اروپا ساکن شده. سراسر راه که از ایران  
 هم رد شدی، بی‌مسئولیت و اکسن برکت برامون کن برید  
 و اکسنای اینجا ببرد نمیخوره.



خالک‌بای شما، محمد عسراپی





سلام باباجان  
 چارنگ خون غزلار مردم ایران هم پسر این قهرمی که برای  
 به عنوان هدیه‌ی که بیست و سه قرص خوابی را به دستش فرستادم. با اینکه  
 صندل دو وعده دارم و می‌توانستم از آن در دسترسش فرستادم. با اینکه  
 استفاده کنم اما به احترام مردم غزلار ایران هدیه را رد می‌کنم.  
 در عوضه نقاشی دارم به جای آن که صدای بلوند و یک لیز جیم آبی  
 برانم بخرم تا با اون مویهای بلوندم. بیشتر در حمایت از راه دور  
 از خودم هدیه‌ی که خودم که صدای بلوندش می‌شنیدم و گمان نمی‌کند  
 البته آن را در جیبی کاروبی نگه‌دار و با گوشه‌ی نقیست که از پسرش هدیه‌ی منورم.  
 بیچاره دینار، احسان کرد

Merry Christmas

سلام یانوش  
 لطفاً از شوهرت بپرس و در خانه‌ی من  
 دیدن چشمم چه خاندن به اطراف،  
 هدیه‌ات را بگذار و برو. ضمناً حالو هم  
 خودت هستی، در طول یک سال ۳۶۵ روز  
 برایم هدیه‌ی که بیست و سه آورده‌ای. همه‌اش  
 هم بنگاری. جلد سیزدهم صندلی  
 اما از خواننده مردم. ص. سی، او.  
 XOXO گلشن

MERRY Christmas

بنام مستور و نام خلق مبارک ایران  
 این است که در یک فصل خلق آزادی خواه  
 بلا اول بخوان، انگیزه به تکرار فصلی که در آن به  
 ایران به بی‌توجهی پدیداری است و نقیض کار مردم و بعضی از  
 افتاده است، اما ما هم این خلق را بخواند و جیبی که هم  
 اعضای طایف و مزدور از اوضاع بخواند. لذا از این وابستگی لطافت  
 منظر آرام به صندل خلق ایران بی‌توجهی دنیا شکر آرم  
 لطفاً از گوشه‌ی دنیا جان جمع کرده و بیچاره را جان جان  
 خالی‌مانند تا آنکه تیر لول هدیه‌ی منورم.  
 سینه‌ی ما هم محفوظ است  
 ارادتی هم از جیبی

نوشه سلام  
 مع خیلی لذت دلخیزم. تو چرا از خیرش غم  
 زان ایران علی جمعی شده. چرا می‌کنی؟  
 نند تو هم مزدوری؟ اگر می‌خواهی بابت کنی؟  
 که مزدور نیستی همین الان با گوشه‌ی یک  
 نلم از خودت بپرس و ببگو که خدای یک  
 اجباری هستی. آخر منم هم به شانه اعتبارش از  
 کلان موزن رابطه و نعل چوب کنی.  
 اگر اینک را نمانی به برویج کنه امریکا  
 ما ولیم مکرمان است کنه.  
 سبغ علیزاده



نازنین اسماعیل زاده  
طراح

محمد رضا رضایی  
فیروزه کوهستانی  
نویسندگان